

■ نویسنده «عین خیالم بودی»
کتابش را این گونه توصیف کرد:

درو نمایه عشق انسانیت و عدالت

مراسم رونمایی از مجموعه داستان فریناز ربیعی با عنوان «عین خیالم بودی» برگزار شد. فریناز ربیعی در این نشست با اشاره به نام خاص کتابش گفت: این عنوان از دل نوشته های من برآمد و لاجرم سخنی که از دل برآید بر دل نشیند.

او درونمایه داستان های این مجموعه را عشق، انسانیت و عدالت خواند و ادامه داد: همه تلاشم را کردم تنوعی در فرم، فضا و زاویه دید ایجاد کنم و خوشبختانه اهل فنی که داستان ها را خواندند، گفتند این موضوع جذابیت ایجاد کرده است.

نویسنده مجموعه داستان عین خیالم بودی فضای بیشتر داستان های این کتاب را واقعی و رئال دانست و گفت: برخی ماجراها در این کتاب مربوط به دنیای امروز است و برخی به ماجراهای انقلاب و برخی به ماجراهای تاریخی اشاره دارد، اما در درونمایه همه داستان ها وحدتی وجود دارد.

ربیعی درباره علت انتخاب داستان های این کتاب اشاره کرد: این ۱۲ داستان جزو داستان هایی بودند که من در طول این سال ها نوشته ام و به نوعی دیده شدند و جوایزی هم به دست آوردند.

فریناز ربیعی با اشاره به این که بیشتر شخصیت های داستان های این کتاب زن هستند، ادامه داد: مدتی روان شناسی تحلیلی را دنبال می کردم و این موضوع به شخصیت پردازی های من کمک کرد.

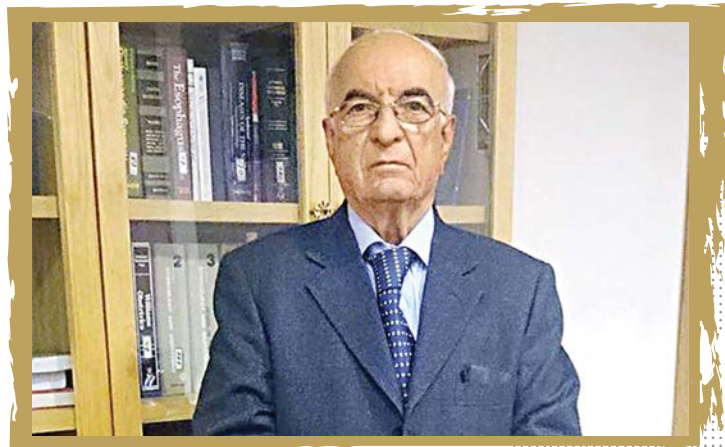
محمد امیری هنزایی، دبیر ادبی نشر مهرستان با اشاره به این که این انتشارات دوسال است وارد حوزه ادبیات شده گفت: پیش از آن ما در حوزه خانواده فعالیت می کردیم و الان محوریت آثار ادبی مان هم خانواده است.

امیری با تاکید بر این که کیفیت آثار برای ما از اهمیت بالایی برخوردار است نه نام افراد، ادامه داد: مهرستان هم با قلم اولی ها کار کرده و هم با نویسندگان نام آشنا ما فارغ از اسامی افراد آنچه برای ما اهمیت دارد کیفیت اثر است. مجموعه داستان عین خیالم بودی ۱۲ داستان دارد و در ۱۵۰ صفحه توسط انتشارات مهرستان منتشر شده است. در شناسنامه و پشت جلد کتاب، ردی از قیمت وجود ندارد و نشان می دهد ناشر براساس اقتضائات زمان، قیمت این کتاب را بالا یا پایین خواهد برد. در سایت انتشارات نیز اطلاعات این کتاب و قیمتش تالخطه تنظیم این خبر منتشر نشده است.

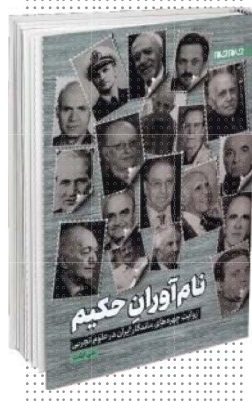


چند خط برای کتاب نام آوران حکیم (علوم تجربی) از انتشارات جام جم

دردنیایک کشور بیشتر ندارم



سراسر تلاش شان ارزش زیادی برای الگو برداری داشت. آنها همه پزشکان از جان گذشته ای بودند که به معنای واقعی کلمه محترم، فداکار و انسان هستند. وقتی زندگی و گفتار جناب آقای حسن عشایری، دکترای مغز و اعصاب را مطالعه کردم بیشتر از زندگی جالب شان، حیرت زده این کلام شدم. در صفحه ۱۷۲ این کتاب، آقای عشایری می گوید: «من فکر می کنم توانستن در خواستن است. هر چه دانش زیادت تر باشد خواسته کمتر است و هر چه خواسته زیادت تر شود دانش کمتر می شود. نمی شود دل بخواه زندگی کرد. برای کسب علم باید کمی رنج کشید، آنهایی که رنج بردند چاره ای اندیشیدند... زندگی رد پای اشخاصی را به ما نشان می دهد که فرهنگ بشر، بدون آنها خیلی فقیر بود.»



دردنیایک کشور بیشتر ندارم

اما از همه جالب تر در این کتاب متنی است که جناب دکتر سید محمد سنادی زاده بر سر در مطب شان نوشته و می چسبانند. ایشان پدر پیوند ایران هستند، اولین جراح کلیه در ایران. در صفحه ۱۰۲ کتاب چنین آمده است: «بیش از هفت سال در آمریکا کار کردم. آن موقع که رفتم آنجا همه فقط الرجال بود و به طبیب احتیاج داشتند. به همه اقامت دائم می دادند. من در تمام عمر خود حتی یک مورد گرین کارت یا اقامت دائم آمریکا را درخواست نکردم. هیچ وقت قصد نداشتم آنجا بمانم. وقتی به ایران آمدم همه پل ها را پشت سر خود خراب کردم... برای شرکت در کنفرانس علمی که به مسافرت می رفتم، مریض ها دستپاچه می شدند و می گفتند نکند دیگر برنگردید! من هم برای این که خیال بیمارانم را راحت کنم برای شان متنی نوشتم و سر در مطب زدم.

نوشتم: من در دنیا یک کشور بیشتر ندارم و آن همین یک مملکت است و خیلی هم راضی هستم. هیچ چیز برای من عزیزتر از این کشور نبوده است.»

به امید روزی که پیشرفت و رفاه مردم ایران، برای تمام کسانی که از آب و نان خورده اند و در دامن پرمهرش قد کشیده اند هم، از هر چیز دیگری مهم تر باشد.



مریض ها

دستپاچه

می شدند و

می گفتند نکند

دیگر برنگردید!

من هم برای

این که خیال

بیمارانم را راحت

کنم برای شان

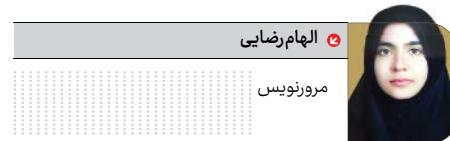
متنی نوشتم و

سر در مطب زدم.

نوشتم: من در

دنیا یک کشور

بیشتر ندارم



الهه رضایی

مروزیس

معتمد اگر کسی برای پیشرفت خود و خانواده اش برنامه ای نداشته باشد، ۱۰ سال آینده در همان وضعیت هم نخواهد بود بلکه پسرفت خواهد داشت. این نظریه در مقیاس بزرگ تر، یعنی جامعه و کشور هم صدق می کند. همیشه و در همه جا مطرح می شود که جوانان آینده سازان هر کشوری بوده و هستند. پس خطر عقب افتادگی یک ملت، آن هنگام احساس خواهد شد که آن کشور جوانان بی برنامه ای داشته باشد.

جایی نمی روم که حق انتخاب را از من بگیرد

حال این سؤال مطرح می شود که یک جوان چرا باید به بی برنامه ای در زندگی اجتماعی و شخصی خود دچار شود. با کمی دقت، راحت می توان به این سؤال جواب داد. جوانان ما اکثر الگویی در زندگی نداشته یا الگوهای اشتباهی را انتخاب کرده اند. تلویزیون و دیگر رسانه های گروهی، افرادی را در جامعه بزرگ می کنند و به آنها بال و پر می دهند. آیا رسانه ها نمی دانند که به جامعه الگو معرفی می کنند؟ در برنامه های تلویزیونی از خواننده ها، بازیگران و ورزشکاران دعوت می شود، همه کم یا بیش با آنها در اینترنت، مجله ها و ... آشنا هستیم. پس کم کم مد لباس پوشیدن، روش و منش و طرز فکر کردن این افراد در زندگی جوانان ما تاثیرگذار می شود. افراد سرشناس هر کشوری برای به دست آوردن موقعیت اجتماعی خود بسیار تلاش کرده اند و این تلاش برای من بسیار ارشمند است، زیرا از صمیم قلب خواهان پیشرفت مردم عزیزم در تمام جنبه های زندگی هستم ولی اینجا یک سؤال ذهنم را درگیر می کند، چرا به نسبت ورزشکاران، بازیگران و خواننده ها، به نوآوران و کارآفرینان و مخترعان و اندیشمندان بزرگ، توجه کمتری می شود؟ چرا از زندگی دانشمندان و کارآفرینان ایرانی که می تواند بهترین سناریو برای تولید فیلم های سینمایی باشد استفاده نمی شود؟ و مهم ترین سؤال این که چرا به نوجوان و جوان مان حق انتخاب دیگری در انتخاب الگو نمی دهیم؟ من خودم یک غذا را بسیار دوست دارم ولی هیچ وقت به رستورانی نمی روم که فقط همان غذا را داشته باشد. در واقع جایی نمی روم که حق انتخاب را از من بگیرد.

ستاره های این آب و خاک

وقتی چهره های علمی و نخبه ایرانی به مردم کشورم معرفی نشوند، من و شما جوابی برای این سؤال فرزندان مان نخواهیم داشت که دائم می پرسند چرا باید درس بخوانیم؟ به نظر من شما اگر می خواهید چهره های تاثیرگذار، شاخص و دانشمندان جوان و متعهد ایرانی را در تمام زمینه ها بشناسید باید از کشورهای اسرائیل و آمریکا، جوای نام و نشان و فعالیت های شان باشید، آنها دقیق ستاره های این آب و خاک را رصد می کنند و البته حتما به نسبت بانک های اطلاعاتی عظیم شان، برنامه های زیادی برای از بین بردن شان و به عزا نشاندن مادران دارند.

نمی شود دل بخواه زندگی کرد

من در کتاب «نام آوران حکیم»، روایت چهره های ماندگار علوم تجربی، با انسان های بزرگی آشنا شدم که افکار و زندگی

سازمان آگهی ها روزنامه جام جم
۴۹۱-۵۰۰۰

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) پژو 206SD-TU5
مدل ۹۹ به شماره موتور 166B0044353
شماره شاسی NAAP41FEXLJ076456
شماره انتظامی ۹۱ - ۶۵۳ - ۸۸ به نام
لیلا نعیمی نوجه ده مفقود گردیده و از درجه
اعتبار ساقط می باشد.

